بیانات رهبر انقلاب در دیدار شرکت کنندگان در دومین همایش بزرگداشت ابن میثم بحرانی - 25 /دی/ 1385

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

به همه ی میهمانان عزیزمان خوش آمد عرض می کنم ؛ چه آنهایی که از خارج کشور آمده اند و چه میهمانان ایرانی ای که از نقاط مختلف در اینجا اجتماع کرده اند. اجتماع مبارکی است و چشم ما همیشه دنبال همدلیهایی است که از این اجتماعات بایستی به وجود آید.

یك جمله درباره ی علامه ابن میثم بحرانی عرض بکنیم ؛ این شخصیت بزرگ علمی قرن هفتم ؛ هم فقیه است، هم متکلم است و مسلط به مفاهیم عالیه ای است که در نهج البلاغه ی امیرالمؤمنین (علیه الصّلاةوالسّلام) به صورت متراکم گنجانیده شده است. سالها قبل - در پیش از انقلاب - من نهج البلاغه را در بین جوانها و طلاب علوم دینی و دانشگاهیها تدریس می کردم ؛ به شروح نهج البلاغه مراجعه می کردم. آن وقت به نظرم اینطور می رسید که در بین همه ی شرحهایی که بر نهج البلاغه نوشته شده است، «شرح ابن میثم» از جهت تبیین مراد امیرالمؤمنین و کلمات آن بزرگوار بهترین است. جا دارد که این شخصیت عظیم القدر علمی از طرف همه ی مسلمانها تجلیل شود ؛ چون نهج البلاغه کتاب همه ی مسلمین است ؛ لذا شما ملاحظه می کنید که از علمای شیعه و سنی در طول قرنهای متمادی، افراد بزرگ و نامداری این کتاب را شرح کرده اند - چه از علمای اهل سنت، چه از علمای شیعه - در همین دورانهای اخیر شیخ محمد عبده این کتاب را شرح کرده و از این کتاب تجلیل کرده است. نهج البلاغه متعلق به همه ی مسلمین است.

نکته ی دوم که مسئله ی «همدلی امت اسلامی در زمان ما»ست، نکته ی مهمتری است. ما نه فقط بعد از دوران انقلاب، بلکه از سالها پیش از انقلاب برای اینکه دلهای شیعه و سنی به هم نزدیك شود و اهمیت این وحدت برای همه معلوم شود، تلاش می کردیم. من در بلوچستان - سالهای قبل از انقلاب هنگامی که آنجا تبعید بودم - به مرحوم مولوی شهداد (از علمای معروف بلوچستان بود که آقایان بلوچ ایشان را می شناسند ؛ مرد فاضلی بود. آن زمان ایشان در سراوان بود و ما در ایرانشهر بودیم) پیغام فرستادم که بیایید فرصتی است بنشینیم و مبانی یك اتحاد عملی، حقیقی و واقعی قلبی بین اهل سنت و شیعه به وجود آوریم. ایشان هم متقابلاً از این قضیه استقبال کرد ؛ منتها بعد به مسائل انقلاب رسید ؛ بعد از انقلاب در اولین کنگره ی نماز جمعه ای که ما تشکیل دادیم، عده ای از علمای اهل سنت حضور داشتند ؛ از جمله ایشان هم بود ؛ بحثهایی شد و در همین زمینه ها صحبت کردیم.

اختلاف بین طرفداران دو عقیده بر اثر تعصبات، یك امری است که هست و طبیعی است، و مخصوص شیعه و سنی هم نیست. بین فِرَق شیعه، خودشان ؛ بین فِرَق سنی، خودشان ؛ در طول زمان از این اختلافات وجود داشته است. تاریخ را نگاه کنید، می بینید هم بین فرق فقهی و اصولی اهل تسنن - مثل اشاعره و معتزله، مثل حنابله و احناف و شافعیه و اینها - هم بین فرق مختلف شیعه، بین خودشان، اختلافاتی وجود داشته است. این اختلافات وقتی به سطوح پایین - مردم عامی - می رسد، به جاهای تند و خطرناکی هم می رسد ؛ دست به گریبان می شوند. علما می نشینند با هم حرف می زنند و بحث می کنند ؛ لیکن وقتی نوبت به کسانی رسید که سلاح علمی ندارند، از سلاح احساسات و مشت و سلاح مادی استفاده می کنند که این خطرناك است. در دنیا این همیشه بوده ؛ همیشه هم مؤمنین و خیرخواهان سعی می کردند که مانع بشوند ؛ علما و زبدگان، تلاششان این بوده است که نگذارند سطوح غیرعلمی کارشان به درگیری برسد ؛ لیکن از یك دوره ای به این طرف، یك عامل دیگری هم وارد ماجرا شد و آن «استعمار» بود. نمی خواهیم بگوییم اختلاف شیعه و سنی همیشه مربوط به استعمار بوده ؛ نه، احساساتِ خودشان

هم دخیل بوده ؛ بعضی از جهالتها، بعضی از تعصبها، بعضی از احساسات، بعضی از کج فهمیها دخالت داشته ؛ لیکن وقتی استعمار وارد شد، از این سلاح حداکثر استفاده را کرد.

لذا شما می بینید برجستگان مبارزه ی با استعمار و استکبار، روی مسئله ی «وحدت امت اسلامی» تکیه ی مضاعف کرده اند. شما ببینید سیدجمال الدین اسدآبادی (رضوان اللّه تعالی علیه) معروف به افغانی و شاگرد او شیخ محمد عبده و دیگران و دیگران، و از علمای شیعه مرحوم شرف الدین عاملی و بزرگان دیگری، چه تلاشی کردند برای اینکه در مقابله ی با استعمار نگذارند این وسیله ی راحتِ در دست استعمار، به یك حربه ی علیه دنیای اسلام تبدیل شود. امام بزرگوار ما از اول بر قضیه ی وحدت اسلامی اصرار می کرد. استعمار، به این نقطه چشم دوخت و از آن حداکثر استفاده را کرد.

من می خواهم این را بگویم: در این کار، انگلیسیها از بقیه ی دشمنان استعماری، متبحرترند ؛ در ایران، ترکیه و کشورهای عربی، و در شبه قاره ی هند، اینها سالها زندگی کرده اند، و با رموز کار آشنا هستند که چگونه می شود سنی را علیه شیعه تحریك کرد و چگونه می شود شیعه را علیه سنی تحریك کرد ؛ اینها خوب بلدند. و کرده اند. از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این حرکت استعماری شدت گرفت ؛ ما این را شاهد بودیم، از اول انقلاب نشانه هایش را می دیدیم و هشدار می دادیم ؛ و این روزهای اخیر، یا سالهای اخیر به خاطر اینکه جمهوری اسلامی توانست یك هدف بزرگی را به دست آورد و به یك قله ی بزرگی برسد و آن قله عبارت بود از «بیداری دنیای اسلام»، انگیزه و داعی اختلاف افکنان و جبهه ی استکبار برای ایجاد اختلاف، شدیدتر و قویتر شد. لذا همه کاری می کنند.

امروز در عراق، می خواهند شیعه و سنی را به جان هم بیندازند ؛ در پاکستان، این کار را می خواهند بکنند ؛ در افغانستان این کار را اگر بتوانند، می کنند ؛ در اینجا اگر بتوانند، می کنند. هر جا بتوانند، می کنند ؛ ما اطلاع پیدا کردیم حتّی ایادی آنها به لبنان رفتند برای اینکه بتوانند بین شیعه و سنی اختلاف بیندازند ؛ مشغول تلاشند.

این عواملی که اختلاف افکنی می کنند، نه شیعه اند، نه سنی ؛ نه به شیعه علاقه دارند، نه به تسنن ؛ نه مقدسات شیعه را قبول دارند، نه مقدسات سنی را. چند روز پیش از این، بوش - رئیس جمهور امریکا - در سخنرانی اش به منفجر کردن حرم عسگریین (علیهماالسّلام) در عراق اشاره کرد ؛ که منفجر کردند و اینها را تندروان سلفی کردند و شیعه را تحریك کردند و موفق شدند. این کار جلو چشم خود امریکاییها انجام گرفته! حرم عسگریین را در همان شهری انجام دادند که مسلط بر امور امنیتی آن شهر و نیروهای مسلح در حال تردد در آن شهر، امریکایی بودند ؛ جلو چشم امریکاییها! مگر می شد بدون اطلاع آنها، بدون اجازه ی آنها و بدون تدبیر آنها این کار انجام بگیرد؟ خودشان این کار را کردند.

اسم می آورند از تروریستهای عراق به عنوان القاعده و سلفی، در حالی که خودشان تحریك کننده هستند. عناصر بعثی قدیمی در عراق را خود سرویسهای امریکایی و اسرائیلی دارند تحریك می کنند برای ایجاد انفجار در هر نقطه ای که بتوانند انجام بدهند. ناامن ترین شهرهای عراق - یعنی همین منطقه ی بغداد و بعضی شهرهای دیگر - همان شهرهایی است که دستگاه امنیتی امریکا، همه ی امور آنجا را به عهده دارد، والا در بسیاری از مناطق عراق که امریکاییها آنجا کمتر حضور دارند و نیروهای عراقی هستند، امنیت بیشتر است ؛ ناامنی، مال خود اینهاست، اینها انگیزه دارند.

با پیروزی انقلاب در ایران، اینها برنامه های جدیدی طراحی کردند برای اینکه اینطور وانمود کنند که این انقلاب، انقلاب شیعه است ؛ در حالی که انقلاب اسلامی، انقلاب اسلام است، انقلاب قرآن است، برافراشتن پرچم اسلام

است. انقلاب اسلامی افتخارش این است که ارزشهای اسلامی را، توحید را، احکام الهی را و ارزش معنویت اسلام را، دارد به دنیا معرفی می کند و موفق شد. علی رغم همه ی دشمنیها ما موفق شدیم. انقلاب اسلامی روح غرور اسلامی را، روح افتخار و تفاخر به اسلام را در مسلمانها زنده کرد. آنها با این دشمنند، با این مخالفند ؛ والا اگر ما انقلابمان يك انقلاب شیعی بود که از دنیای اسلام جدا می شدیم و ما به دنیای اسلام کاری نداشتیم، آنها هم به ما کاری نداشتند، آنها با انقلاب دشمنی نمی کردند. آنها دیدند این انقلاب، انقلاب اسلامی است.

جدی ترین دفاع را از فلسطین، انقلاب اسلامی کرد. هیچ کس، هیچ کشوری، هیچ دولتی و هیچ مردمی، از فلسطین و مبارزات فلسطینیها و انتفاضه ی فلسطین، مثل ملت ایران و دولت ایران و نظام اسلامی دفاع نکردند. كمك معنوی، كمك مادی ؛ ما هر چه توانستیم، کرده ایم. آن وقتی که شورویها آمدند و وارد افغانستان شدند، همه ی این دولتهای مسلمانی که در این منطقه بودند، با ملاحظات گوناگون سکوت کردند. امام (رضوان اللّه علیه) صریح پیغام داد به شوروی ها که: باید شما از افغانستان خارج شوید. من خودم در يك مجمع بین المللی بزرگ حضور داشتم - که آنجا غیرمتعهدها و تعداد زیادی از کشورهای اسلامی هم بودند - شاهد بودم که هیچ کدام از آنها اسمی از ورود شوروی به افغانستان نیاوردند و فقط من آنجا در نطقم شدیداً حمله کردم ؛ چون در آنجا يك عده ای چپها و دولتهای سوسیالیست و طرفدار شوروی بودند، به ملاحظه ی آنها هیچ کدام از کشورهای اسلامی، کلمه ای حرف نزدند ؛ فقط ما گفتیم ؛ ما آنجا هم به امریکا حمله کردیم، هم به شوروی حمله کردیم ؛ بدون تفاوت ؛ آنها از این ناراحتند. چون این انقلاب، انقلاب اسلامی است ؛ نگاه نمی کند که ملت فلسطین شیعه اند یا سنی ؛ از آنها دفاع می کند. از حرکت عظیم لبنانیها دفاع می کند، از هر جمع مسلمانی در هر نقطه ی از عالم که برای اسلام حرکت کنند و کار کنند، دفاع می کند ؛ آنها از این ناراحتند. چون انقلاب، اسلامی است ناراحتند. والا اگر ما مرزها را می بستیم و می گفتیم ما به کشورهای سنی کاری نداریم، به گروه های سنی کاری نداریم، با ما هیچ کاری نداشتند ؛ نه امریکا، نه اسرائیل، نه انگلیس. آنها علیه جمهوری اسلامی اند، چون جمهوری اسلامی برای اسلام است، برای امت اسلامی است. از وقتی جمهوری اسلامی تشکیل شد، این مسئله ی ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی از سوی استکبار روزبه روز تشدید شد و فعالیت آنها هم تشدید شد.

ما باید بیدار باشیم ؛ هم شیعه، هم سنی باید بیدار باشند ؛ بخصوص علما. مردم دور از محیط علمایی، ممکن است دچار توهماتی بشوند، دچار اشتباهاتی بشوند ؛ اما علما نمی توانند در این قضیه بی تفاوت بمانند ؛ بگویند خوب، اینها عوامند، ما که نمی کنیم ؛ نه، علما بایستی خود را مسئول بدانند و تلاش کنند. امروز بیداری اسلامی شروع شده، عزت اسلامی آشکار شده، هزیمت دشمن در میدانهای مختلف - که آقایان اسم آوردند - روزبه روز بیشتر آشکار شده است. استکبار در فلسطین شکست خورد، در لبنان شکست خورد، در عراق شکست خورد، در افغانستان شکست خورد ؛ و در هیچ کدام از اینها به مقاصد و اهداف خودش نرسید.

جمهوری اسلامی هم روزبه روز در حال پیشرفت است ؛ ما از لحاظ علمی، از لحاظ صنعتی، از لحاظ اجتماعی، از لحاظ قوت مدیریت در این بیست و هفت سال، روزبه روز جلوتر رفته ایم. مردم با نظام، پیوندشان روزبه روز مستحکمتر شده است. این، دشمن را ناراحت و عصبانی می کند و به عکس العمل وادار می کند.

ما امروز باید خیلی مراقب باشیم که دشمن از این نقطه ی حساس - در واقع باید گفت از این نقطه ی ضعفی که در دنیای اسلام وجود دارد - نتواند استفاده کند.

دوستان ما درست گفتند ؛ مسئله، مسئله ی این نیست که شیعه یا سنی، عقاید یکدیگر را قبول کنند ؛ نه، هر کسی عقیده ی خودش را دارد، هر کسی تابع استدلال است و به هر عقیده ای رسید، درست است. مسئله این است که

اصحابِ عقاید مختلف، بایستی به وسوسه ی دشمن گوش نکنند، به جان هم نیفتند، با هم دشمنی نکنند و نسبت به هم کارشکنی نکنند. دشمنان ما هر کدام هر چه بلدند «یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا» به همدیگر یاد می دهند ؛ انگلیسیها به امریکاییها یاد می دهند، اسرائیلیها به آنها یاد می دهند.

ما بایستی مردم خودمان را هشیار و بیدار کنیم و خودمان مراقب باشیم. آن کسانی که بدون فهم، فهم حقیقت، بدون تقوا، جمعیت عظیمی از مسلمانان را از دین خارج می دانند، خارج می کنند، تکفیر می کنند این گروه های تکفیری نادان - حقیقتاً مناسب ترین صفت برای اینها نادانی است، اگرچه در آنها خباثت هم هست، اما جهالت مهمترین خصوصیت اینهاست - اینها را بایستی ما تا آنجایی که می توانیم، ارشاد کنیم ؛ مردم را از اینها بترسانیم که مردمِ ما «و لتصغی الیه افئدة الذین لایؤمنون بالأخرة و لیرضوه و لیقترفوا ما هم مقترفون» بعضی ها به خاطر ضعف ایمان، به خاطر ضعف معرفت، مجذوب این حرفهای دشمنان می شوند. ما باید مراقبت کنیم. وظیفه ی علما، وظیفه ی سنگینی است. امروز وحدت دنیای اسلام، یك هدف اعلاست که اگر این وحدت حاصل شد، آن وقت دنیای اسلام حقیقتاً می تواند به عزت کامل و عمل به احکام اسلامی دست پیدا کند ؛ می تواند این کار را هم بکند. هم دولتها باید کمك کنند، هم ملتها باید کمك کنند.

دولتها هم باید نهایت کمك را به همین اتحاد و یگانگی و همدلی بکنند. این امت اسلامی، اگر وزن واقعی خود را پیدا بکند، آن وقت پشتیبان این دولتها خواهد بود و دولتهای اسلامی دیگر مجبور نخواهند شد به خاطر ضعف و ترسشان به دامن امریکا یا انگلیس پناه ببرند ؛ چون امت اسلامی پشتِ سر آنهاست.

امیدواریم خداوند متعال همه ی ما را کمك کند، هدایت کند، دستگیری کند و بتوانیم ان شاءالله آنچه را که وظیفه ی خطیر و حساس ما در این دوران هست، آن را به بهترین وجهی انجام بدهیم.

و السّلام علیکم و رحمةالله و برکاته